

بسم الله الرحمن الرحيم

استقلال مسلمانان از شعار تا واقعیت؛ راهی جز بازگشت به اسلام نیست!

(ترجمه)

پس از فروپاشی قدرت شوروی، در آسیای میانه مجموعه‌ای از دولت‌های ملی پدید آمد و از جمله آن‌ها قرغیزستان بود که در ۳۱ اگست ۱۹۹۱ استقلال خود را اعلام کرد. اگر به صفحات تاریخ بنگریم، درمی‌یابیم که مسلمانان استقلال حقیقی خود را با سرنگونی دولت خلافت عثمانی در سال ۱۹۲۴ از دست دادند. بریتانیا و فرانسه شعار «استقلال» را برافراشتند تا سرزمین‌های عربی و آفریقایی را از خلافت عثمانی جدا کنند و در میان مردم شعارهای قوم‌گرایانه و ملی‌گرایانه همچون عربیت و ترکی را ترویج نمودند. بدین‌سان بود که شکل‌گیری دولت‌های ملی آغاز شد.

سپس جنگ جهانی اول رخ داد که از عوامل سقوط دولت خلافت بود. هنگامی که سرزمین‌های اشغال‌شده بر استعمارگران تنگ آمد، جنگ جهانی دوم بار دیگر شعله‌ور شد. در پی این جنگ، امریکا که در پی رهبری جهان بود شعارهای «استقلال» را ترویج کرد. واژه «استقلال» در واقع پروژه امریکایی بود که برای فراهم‌کردن فرصتی جهت بیرون کشیدن مستعمرات از دست قدرت‌های استعماری دیگر ابداع شد. چرا که امریکا پس از جنگ جهانی دوم به‌عنوان یک ابرقدرت سر برآورد و در پی آن برآمد تا بر حوزه‌های نفوذ دیگران دست یابد.

فرآیند «رهایی از استعمار» از هند آغاز شد؛ جایی که بریتانیا ناگزیر شد در سال ۱۹۴۷ استقلالی صوری به هند و پاکستان بدهد، پس از آنکه امریکا جنبش‌های انقلابی آنجا را زیر شعار «استقلال» پشتیبانی کرده بود. از آن زمان رقابت میان امریکا و بریتانیا در هند ادامه یافت. بریتانیا از حزب کنگره ملی هند حمایت می‌کرد، در حالی که امریکا از حزب مردم هند با شعار استقلال پشتیبانی می‌نمود. اما پاکستان را امریکا به‌طور کامل از جنگ بریتانیا بیرون کشید.

بدین‌سان روند زدودن استعمار در هر منطقه‌ای به صحنه کشمکش میان استعمارگران قدیم و جدید بدل شد. در دهه شصت میلادی، «زدودن استعمار» از پشتیبانی گسترده سازمان ملل متحد برخوردار گردید؛ این سازمان قطعنامه زدودن و رهایی از استعمار را حمایت کرد و در سال ۱۹۶۰ «اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و ملت‌های تحت استعمار» را تصویب نمود. سپس در سال ۱۹۶۱ رئیس‌جمهور امریکا با خروشچف، رهبر اتحاد جماهیر شوروی، در وین توافق کردند که مستعمرات را میان خود تقسیم کنند. در نتیجه، جنبش‌های استقلال طلب راه را برای نفوذ امریکا و شوروی در مستعمرات بریتانیا، فرانسه و دیگر قدرت‌های استعماری هموار ساختند.

بریتانیا نیز کوشید تا نفوذ خود را در مستعمرات پیشینش از طریق کشورهای مشترک‌المنافع حفظ کند و فرانسه نیز تلاش کرد همین کار را از راه «جماعت فرانسوی» انجام دهد. پس از فروپاشی قدرت شوروی، روسیه کوشید همان مسیر را از طریق «جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع» و سپس از راه «سازمان پیمان امنیت جمعی» در عرصه نظامی و «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» در عرصه اقتصادی دنبال کند. با این همه، نفوذ روسیه رو به کاهش نهاد، زیرا مستعمرات سابقش به‌سوی سازمان‌های بین‌المللی دیگر گشوده شدند و استعمارگران جدید به آن مناطق راه یافتند.

اما امروز، در قرغیزستان همچنان نفوذ استعمارگر قدیم، یعنی روسیه، غالب است. با این حال، امریکا نیز توانسته است در امور داخلی ما نفوذ کند و به‌ویژه در حوزه رسانه و تربیت کادرها موفقیت‌های ملموسی به دست آورد. از سوی دیگر، چین به‌عنوان قدرتی نوظهور سر برآورده که استعمار جدید خود را آغاز کرده است. این کشور بزرگ‌ترین وام‌دهنده و سرمایه‌گذاری شده و با پروژه‌های راهبردی مانند «راه آهن چین - قرغیزستان - ازبکستان» به یک قدرت اقتصادی اثرگذار بدل گشته است. همچنین با افزایش ارزش مواد معدنی و خام، توجه اروپا به آسیای میانه بیشتر شد و تلاش‌های تازه‌ای برای نفوذ استعماری در منطقه آغاز گردید.

بنابراین، روز ۳۱ اگست نه روز استقلال ملت قرغیزستان، بلکه روزی است که کشمکش میان استعمارگران جدید برای نفوذ در سرزمین ما آغاز شد. چرا که نشانه‌های واقعی استقلال - اعم از سیاسی، اقتصادی و نظامی - همچنان وابسته به قدرت‌های استعماری است.

از این رو، چون ما مسلمانیم باید دریابیم که راه رهایی از استعمار در اسلام عزیز نهفته است. پس بر ماست که اسلام را بیاموزیم و شتابان بدان عمل کنیم؛ چراکه تنها از این راه می‌توانیم استقلال از دست‌رفته خود را که در سال ۱۹۲۴ از کف دادیم، با دست‌ان خویش بازگردانیم. از همین رو، شایسته است سرزمین‌های اسلامی مرزهای ساختگی را به رسمیت نشناسند و فریب دولت‌های به‌ظاهر مستقل ملی را نخورند. امروزه بر ماست که اختلافات خود را کنار بگذاریم و متحد شویم.

آنگاه است که ما آن حاکمانی را که غزه، ترکستان شرقی، روهینگیا، سودان و دیگر سرزمین‌های ستمدیده را بی‌یاور رها کردند، مورد بازخواست قرار خواهیم داد. در همان زمان دولت خلافت را برپا خواهیم کرد؛ دولتی که همچون سپر از هر طرفی ما را پاسداری خواهد کرد و بدین‌سان استقلال واقعی را به دست خواهیم آورد.

نویسنده: ممتاز ماوراء النهری

مترجم: پارسا امیدی